

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۵ جنوری ۲۰۱۹

جنگ حکومت اسلامی با کانون نویسندگان ایران!

نیم قرن فعالیت‌های کانون نویسندگان ایران را هیچ‌گاه صاحبان قدرت تحمل نکرده‌اند. اعضای این کانون بارها مورد تعقیب و احضار قرار گرفته‌اند و به زندان رفته‌اند. نشست‌های این کانون بارها لغو شده است. کانون نویسندگان یک تشکل مستقل و دموکراتیک است و اعضایش جز قلم در دست و اندیشه در سر ندارند.

این کانون در سال ۱۳۴۷ رسماً با هدف تشکلیابی نویسندگان و مبارزه با سانسور اعلام موجودیت کرد، کانون نویسندگان و اعضای آن از ابتدای تشکیل و به‌ویژه طی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ با درجات مختلف سرکوب، از سانسور و تعقیب قضائی گرفته تا قتل روبه‌رو بوده‌اند. محمدجعفر پوینده و محمد مختاری از از جمله اعضای کانون نویسندگان بوده‌اند که در جریان قتل‌های زنجیره‌ای توسط وزارت اطلاعات به قتل رسیدند.

سعید سلطانپور از اعضای هیات دبیران کانون نویسندگان در سال ۶۰ اعدام شد. امسال نیز حکومت اسلامی مانع برگزاری گرامی‌داشت پنجاه سالگی کانون و همچنین مانع برگزار مراسم زنده‌یاد علی‌اشرف درویشیان شدند.

در این روزها، یاشار سلطانی روزنامه‌نگار افشاگری که دو سال پیش مدارکی دایر بر «تخلفات شهرداری» در واگذاری املاک منتشر کرده بود به پنج سال حبس محکوم شده است. وی که در سال ۱۳۹۵ برای مدتی تحت بازداشت قرار گرفت از جمله به نشر مطالب خلاف واقع و افترا به شرکت‌ها متهم بود.

این چندمین اقدام دستگاه قضائی ایران علیه روزنامه‌نگاران و فعالان در هفته جاری است. یاشار سلطانی، همچنین به‌مدت ۲ سال از عضویت در احزاب، گروه‌ها، دسته‌جات سیاسی، فعالیت در فضای مجازی و رسانه‌ها و مطبوعات و خروج از کشور محروم شده است.

وکیلی را در اورمیه دادگاه و محکوم کرده‌اند. یکی از متهمان پرونده «دختران خیابان انقلاب» که در ورودی دادگاه انقلاب با مأموران درگیر شده بود، دو سال حبس تعلیقی و ۵۰ هزار تومان جزای نقدی محکوم شد.

محمدحسین آقاسی وکیل مدافع لیلا میرغفاری روز چهارشنبه در گفت‌وگو با ایرنا اظهار داشت: «موکلم پرونده‌ای در دادگاه انقلاب داشت که خرداد امسال موقع ورود به دادگاه با وجود اینکه مانور و شلوار جین بر تن داشته، از او

می‌خواهند چادر سر کند.» این وکیل دادگستری اضافه کرد: «موکلم نمی‌پذیرد و می‌گوید حجابش خوب است و نهایتاً به او چادر می‌دهند و او نیز با مأموران درگیر و به یگان حفاظت دادگاه منتقل می‌شود.» آقاسی ادامه داد: نهایتاً به‌خاطر اظهارات موکلم، برای او پرونده‌ای به اتهام اتهام اهانت به رهبری، تمرّد نسبت به مأموران در حین انجام وظیفه، ظاهر شدن در انظار عمومی بدون حجاب شرعی و تشویق مردم به بی‌حجابی و فحشا تشکیل می‌شود.»

روز سه‌شنبه نیز سه تن از اعضای کانون نویسندگان را راهی زندان اوین کردند. حکومت اسلامی ایران، با هدف جلوگیری از خیزش‌های مردمی و اعتصاب‌های مداوم کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و نابودی تشکلهای مستقل و دموکراتیک، بار دیگر شمشیر خود را از رو بسته و تهدید و دستگیری و زندان فعالین جنبش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را آغاز کرده است. رعب و وحشت در روزهای اخیر به‌ویژه با دستگیری اسماعیل بخشی نماینده محبوب و جسور کارگران شرکت هفته‌تپه و سپیده قلبان روزنامه‌نگار و فعال مدنی و مدافع کارگران شرک هفته‌تپه، زندانی کردن سه عضو کانون نویسندگان و...، تشدید شده است. این رعب و وحشت جدید حکومت اسلامی، احتمالاً بی‌ارتباط با مراسم‌های چهلمین سال‌گرد حکومت اسلامی در ۲۲ بهمن نیست. جنگ حکومت اسلامی با کانون نویسندگان ایران پایانی ندارد. چرا که نه حکومت اسلامی از سانسور و اختناق دست برمی‌دارد و نه کانون نویسندگان ایران به سانسور گردن می‌گذارد و از مبارزه برای آزادی بی‌حد و حصر اندیشه و بیان برای همگان دست برمی‌دارد. بنابراین، تا روزی که این حکومت رعب و وحشت، شکنجه و زندان، اعدام و ترور، دزد و استثمارگر در قدرت و حاکمیت است هرگز جنگ‌اش با کانون نویسندگان به پایان نخواهد رسید. کانون نویسندگان ایران در گذشته نیز در مقابل سانسور و اختناق حکومت پهلوی ایستاده بود و بی‌تردید در آینده نیز در برابر هر قدرتی خواهد ایستاد. چرا که یکی از ویژگی‌های کانون نویسندگان مردمی و ضدقدرت بودن آن است. کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای بازداشت رضا خندان(مهابادی)، کیوان باژن و بکتاش آبتین، سه تن از اعضای این کانون را محکوم کرد و نوشت رئیس دادگاه آن‌ها را از حق داشتن وکیل محروم کرده است.



در بیانیه کانون نویسندگان ایران که سه‌شنبه دوم بهمن ماه منتشر شده، آمده است که دادگاه، ناصر زرافشان و راضیه زیدی را به‌عنوان وکلای رضا خندان(مهابادی)، کیوان باژن و بکتاش آبتین پذیرفته و قاضی محمد مقیسه، رئیس دادگاه گفته است که این سه نویسنده خود می‌توانند از خودشان دفاع کنند.

رضا خندان(مهابادی) و کیوان باژن اعضای هیئت دبیران و بکتاش آبتین بازرس کانون نویسندگان ایران هستند. آن‌ها به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی مراجعه کرده و مهلت تعیین وکیل و برخورداری از حق دفاع از خود را درخواست کردند اما رئیس دادگاه قرار تأمین را از کفالت ۱۰۰ میلیون تومانی برای هر یک، به وثیقه یک میلیارد تومانی برای هر کدام از آن‌ها تبدیل کرد و اعضای کانون به دلیل عدم امکان تأمین وثیقه، بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند.

کانون نویسندگان ایران، با بیان این‌که رئیس دادگاه حق اعضای کانون برای برخورداری از وکیل را نقض کرده، نوشته است: «پرونده فوق تاکنون دو بار مورد تفهیم اتهام قرار گرفته و هر بار قرار تأمین آن تشدید شده بود. بار نخست، اعضای کانون به «تبلیغ علیه نظام» متهم شدند و بار دوم که پرونده از «دادسرا» به «دادگاه» رفته و بازگردانده شده بود، دو اتهام سنگین‌تر یعنی «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» و «تشویق بانوان کشور به فساد و فحشا» به اتهام فوق افزوده شد و اعضای کانون با قرار کفالت ۱۰۰ میلیون تومانی به‌طور موقت آزاد شدند.»

جلسه دادگاه در روز سه‌شنبه دوم بهمن ۱۳۹۷، بر اساس این سه اتهام تشکیل شده بود که به تشدید قرار وثیقه برای هر یک از اعضای کانون انجامید.

به‌گفته کانون نویسندگان ایران «فلسفه قرار تأمین این است که حضور متهم را در دادگاه تضمین کند و در مواردی که متهم در دادگاه حضور پیدا می‌کند هیچ توجیهی برای تشدید قرار وجود ندارد.»

این کانون به نقل از حقوق‌دانان، افزوده است: «اولا تشدید قرار معمولاً جزء اختیارات «دادسراست» و قاضی شعبه ۲۸ «دادگاه» می‌بایست پرونده را با درخواست تشدید قرار به «دادسرا» می‌فرستاد نه این‌که خود راساً قرار را تشدید کند. ثانیاً قاضی دادگاه مجاز نیست با درخواست برخورداری متهم از وکیل برای دفاع از خود مخالفت کند.»

کانون نویسندگان ایران همین دو مورد را به‌معنی «نقض آشکار حقوق مسلم متهم» دانسته و گفته است «قاضی اصل بی‌طرفی را آشکارا زیر پا گذاشته است» و «فاقد صلاحیت رسیدگی به پرونده مورد بحث است.»

کانون نویسندگان ایران، خواهان آزادی بی‌درنگ و بی‌قیدوشرط اعضای خود شده و آورده است: «دفاع از آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا حق مسلم تمام شهروندان از جمله اعضای کانون نویسندگان ایران است.»

بکتاش آبتین، شاعر، فیلم‌ساز و عضو هیات دبیران کانون نویسندگان ایران روز چهارشنبه ۱۰ مرداد ماه ۱۳۹۷، به شعبه ۷ دادسرای اوین احضار شده بود.

یک منبع مطلع در این رابطه به گزارشگر هرانا گفت: «آقای آبتین طی ابلاغیه‌ای که امروز دریافت کرده‌اند به شعبه ۷ دادسرای اوین احضار شده‌اند و به ایشان ۵ روز فرصت داده شده که به این دادسرا مراجعه کنند. آقای بکتاش آبتین نیز مانند رضا خندان(مهابادی) و کیوان باژن که پیشتر به دادسرا احضار شده بودند در رابطه با پرونده و بازجویی‌های سال ۱۳۹۴ احضار شده‌اند و این پرونده جدا از دو پرونده دیگریست که آقای آبتین بابت آن‌ها با قرار کفالت آزاد هستند. این پرونده پیش از این در دادسرای فرهنگ و رسانه مفتوح شده بود و مشخص نیست که چرا اکنون به دادسرای اوین ارسال شده است.»

پیش‌تر در تاریخ ۴ مرداد ماه سال جاری «رضا خندان» و «کیوان باژن» دو تن از اعضای هیات دبیران کانون نویسندگان ایران نیز طی برگه‌های جداگانه به دادرای اوین احضار شده بودند و پس از حضور در دادسرا و تفهیم اتهام «تبلیغ علیه نظام» موقتاً تا زمان پایان دادرسی با قرار کفالت آزاد شدند.

لازم به یادآوری است در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴، پنج مأمور وزارت اطلاعات با حکم شعبه ۱۲ بازپرسی دادرای فرهنگ و رسانه به خانه بکتاش آبتین رفتند و ضمن تفتیش منزل او بیش از دو هزار قلم فیلم، عکس‌های خانوادگی، موبایل، لپ‌تاپ و اسناد کانون نویسندگان ایران را ضبط کردند و پس از آن ایشان طی بیش از ۱۷ جلسه در خصوص فعالیت‌های هنری، ادبی و سینمایی خود بازجویی شده‌اند. دلیل احضار و بازجویی ایشان «انتشار نشریه غیرقانونی» و «تبلیغ علیه نظام» عنوان شده بود.

یک هفته بعد از احضار بکتاش آبتین در سال ۱۳۹۴، رضا خندان (مهابادی) و کیوان باژن نیز به ترتیب احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفتند. دلیل احضار و بازجویی ایشان، تبلیغ علیه نظام عنوان شده بود.

آبتین پیش‌تر در خردادماه سال جاری در پرونده‌ای دیگر توسط شعبه ۲ دادگاه انقلاب کرج به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به پنج میلیون تومان جریمه نقدی و سه ماه کار اجباری در سازمان بهزیستی (بدل از یک سال حبس) محکوم شده بود.

آقای آبتین همچنین در سال ۹۴ به دلیل فیلم‌ها، عضویتش در کانون نویسندگان و شرکت در اعتراضات خیابانی سال ۱۳۸۸ طی سه روز متوالی توسط مأموران وزارت اطلاعات بازجویی شده بود.

رضا خندان مهابادی، نویسنده و فعال حقوق کودکان و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران است. زنده‌یاد علی اشرف درویشیان و رضا خندان، فعالیت‌های مشترک داشتند.

خندان مهابادی، یکی از نویسندگان مجموعه «داستان‌های محبوب من»، در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد سرنوشت انتشار مجلدات بعدی این مجموعه گفت: مجلد ششم از این مجموعه بیش از چهار ماه است که برای دریافت مجوز پیش از انتشار به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه شده است و ما همچنان خبری از اجازه انتشار آن نداریم.

وی افزود: جلد ششم این مجموعه ۶۵۰ صفحه دارد و به نقد و بررسی داستان‌های دهه ۱۳۴۰ ایران اختصاص دارد. همچنین در تدارک انتشار جلد هفتم مجموعه حاضر که به نقد و بررسی داستان‌های دهه‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ ایران می‌پردازد. جلد هشتم از این مجموعه نیز قرار است ویژه بررسی داستان‌های داستان‌نویسان ایرانی خارج از کشور باشد که به زبان فارسی نوشته‌اند.

رضا خندان، خاطرنشان کرد: جلد نهم از این مجموعه نیز به نقد و بررسی داستان‌های کوتاه خارجی اختصاص دارد. همچنین قصد داریم اگر مجموعه مخصوص ادبیات مهاجرت راضی‌کننده نباشد مجلد هشتم را به نقد داستان‌های کوتاه نیمه اول دهه هشتاد اختصاص دهیم.



پنج مجلد از مجموعه آنتولوژی داستان معاصر فارسی شامل داستان و نقد با عنوان «داستان‌های محبوب من» از سوی نشر چشمه منتشر شده است.

این مجموعه به ادوار مختلف داستان‌نویسی کوتاه معاصر فارسی می‌پردازد و قرار است در یکی از مجلدات آن داستان‌نویسی معاصر فارسی خارج از ایران با عنوان ادبیات مهاجرت نیز نقد و بررسی شود. مجموعه مذکور که انتشار آن از سال ۱۳۸۰ آغاز شده با همکاری مشترک علی اشرف درویشیان و رضا خندان مهابادی تدوین می‌شود. نقطه آغاز بررسی داستان‌ها در این مجموعه سال ۱۳۰۰ شمسی است. به‌گفته مولفان قرار است این مجموعه با انتشار مجلد هفتم که به ادبیات مهاجرت اختصاص دارد به پایان برسد. رضا خندان مهابادی از وضعیت چاپ کتاب‌های مشترک خود با علی‌اشرف درویشیان و همچنین دیگر آثار این نویسنده فقید گفته است.

به‌گزارش فانوس، ۲ شهریور ۱۳۹۷ - ۲۴ آگوست ۲۰۱۸، رضا خندان درباره وضعیت چاپ کتاب‌های مشترکش با علی‌اشرف درویشیان که سوم شهریورماه سال‌گرد تولد اوست، اظهار کرد: من و درویشیان دو سری کار مشترک داشتیم؛ «فرهنگ افسانه‌های مردم ایران» که در ۱۹ جلد منتشر شد. اما دو سالی است با مشکل ناشر و گران‌شدن کاغذ مواجه هستیم. با توجه به این که کتاب قطوری است، ناشری جرات نمی‌کند برای تجدیدچاپ آن اقدام کند. در واقع با گران‌شدن کاغذ، این کتاب همچنان مانده است.

وی سپس گفت: پروژه دوم ما «داستان‌های محبوب من» است که در هفت جلد منتشر شده است. جلد هفتم آن دو ماه پیش در نشر چشمه منتشر شده است و جلد‌های دیگرش تجدید چاپ شده‌اند؛ مثلاً چاپ سوم جلد ۴ و ۵ یک ماه پیش منتشر شده است. این مجموعه شامل نقد و بررسی داستان‌های کوتاه ایران است.

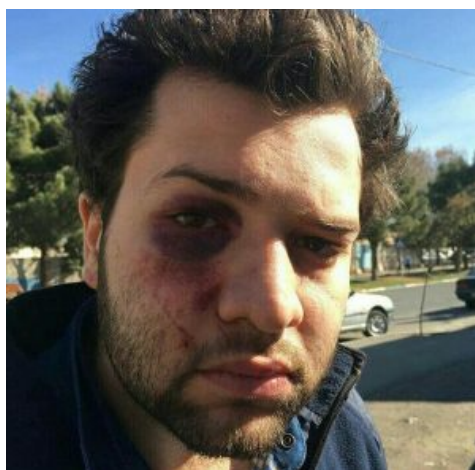
خندان مهابادی، همچنین درباره دیگر کتاب‌های علی‌اشرف درویشیان گفت: ناشر اکثر کارهای درویشیان چشمه است و کارهایش چاپ می‌شود. اخیراً هم انتشارات نگاه کتاب «سلول ۱۸» و «قصه‌های بند» را چاپ کرده است. کار مشترک چاپ‌نشده نداریم اما می‌دانم رمان «همیشه مادر» درویشیان چاپ نشده است. البته چاپ نشدن این کتاب به‌خاطر این است که با بیماری او همزمان شد و نتوانست کار بازنویسی‌اش را انجام بدهد. یک مجموعه داستان هم داشت با عنوان «داستان‌های تازه داغ» شامل ۱۶ داستان کوتاه که در ایران مجوز چاپ نگرفت و گفتند هشت داستانش باید حذف شود که درویشیان قبول نکرد. این مجموعه داستان در خارج از ایران، یک بار در المان و یک بار هم در سوئد چاپ شده است.

علی‌اشرف درویشیان - داستان‌نویس و پژوهش‌گر حوزه ادبیات عامه (زاده ۳ شهریور ۱۳۲۰ آبشوران کرمانشاه) بعد از یک دوره طولانی بیماری ۴ آبان در کرج درگذشت. «بیستون»، «آبشوران»، «فصل نان»، «همراه آهنگ‌های بابام»، «گل طلا و کلاش قرمز»، «ابر سیاه هزارچشم»، «روزنامه دیواری مدرسه ما»، «رنگینه»، «کی برمی‌گردد داداش جان»، «آتش در کتابخانه بچه‌ها»، «سلول ۱۸»، «سی‌ودو سال مقاومت در زندان‌های شاه»، «افسانه‌ها و متل‌های کردی»، «سال‌های ابری» (۲ جلد)، «درستی»، «واژنامه گویش کرمانشاهی»، «یادمان صمد» (صمد بهرنگی)، «از این ولایت»، «قصه‌های آن سال‌ها»، «خاطرات صفر خان» (صفر قهرمانیان) و مجموعه «فرهنگ افسانه‌های مردم ایران»، «داستان‌های محبوب من» و «دانه و پیمانه» (هر سه با همکاری رضا خندان مهابادی) از آثار او هستند. درویشیان در دهمین دوره جایزه ادبی هوشنگ گلشیری تقدیر شد.

علی‌اشرف درویشیان، نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران ۴ آبان سال ۱۳۹۶ پس از سال‌ها بیماری درگذشت و در بهشت سکینه کرج به خاک سپرده شد.

بکتاش آبتین، متولد ۱۳۵۳، شاعر و مستندساز به‌عنوان عضو هیات دبیران کانون نویسندگان در کنار چهار نویسنده دیگر در شهریور ماه ۱۳۹۳ انتخاب شده بود. وی در یک دوره منشی و در دو دوره از اعضای اصلی هیات دبیران بود. در انتخابات بهمن ۱۳۹۶ کانون نویسندگان ایران نیز به‌عنوان یکی از بازرسان مالی کانون انتخاب شد. بکتاش آبتین، از بابت پرونده مفتوحه از سال ۱۳۹۵ در شعبه ۲ دادگاه انقلاب کرج به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شده که این حکم در نهایت به پنج میلیون تومان جریمه نقدی و سه ماه کار اجباری در سازمان بهزیستی تبدیل شد.

لازم به یادآوری است، در آبان ماه سال ۱۳۹۵، تعداد پرشماری از مأموران امنیتی در اقدامی توأم با خشونت از برگزاری مراسم یادبود محمد مختاری و محمدجعفر پوینده از جان‌باختگان قتل‌های سیاسی زنجره‌ای، در امامزاده طاهر کرج جلوگیری کردند. مزدک زرافشان هنگام تلاش برای جلوگیری از یورش مأموران امنیتی به خانم «فاطمه سرحدی‌زاده»، شهروند ۷۵ ساله، مورد ضرب‌وشتم قرار گرفت و صورت وی به‌شدت آسیب دید و در نهایت چند تن از حاضران در مراسم از جمله «بکتاش آبتین، مزدک زرافشان، محمد مهدی پور، ناصر زرافشان و رضا اکوانیان» توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.



تصویر «مزدک زرافشان» پس از ضرب و شتم توسط مأموران امنیتی که «بکتاش آبتین» در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرده بود.

پس از آزادی این افراد، بکتاش آبتین از صورت آسیب‌دیده مزدک زرافشان عکس گرفته و این تصویر را در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد. به دنبال انتشار این عکس دادستانی کرج پرونده‌ای به اتهام «تبلیغ علیه نظام» برای وی تشکیل داد و حکم آن پس از گذشت حدود بیست ماه، طی هفته گذشته به وی ابلاغ شد.

این شاعر درباره حکمی که به او ابلاغ شده به صفحه فیس‌بوک کانون نویسندگان ایران گفته است: «من این حکم را قبول ندارم. اصولاً محاکمه هیچ‌کس را به دلیل ابراز نظر و عقیده‌اش قبول ندارم. برای همین هم عضو کانون نویسندگان شده‌ام. مدافع آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا هستم و این فشارها در عزم من برای مبارزه با سانسور خلی وارد نمی‌کند. من به حکم صادر شده اعتراض می‌کنم.»

بکتاش، همچنین تاکنون چندین فیلم مستند ساخته که در جشنواره‌های بین‌المللی اکران شده است. فیلم‌هایی مانند «۱۳ اکتبر ۱۹۳۷» مستندی که درباره لوریس چکناوریان، رهبر ارکستر و آهنگساز مطرح ایرانی است، فیلم «آنسور» که در خصوص سانسور در ایران است و مستندی به‌نام «همایون خرم» درباره آهنگساز نامی ایران. از بکتاش آبتین، چندین کتاب شعر نیز از جمله «و پای من که قلم شد نوشت برگردیم»، «مژده‌ها، چشم‌هایم را بخیه کرده‌اند»، «پتک»، «شناسنامه خلوت» و «در میمون خودم پدر بزرگ» منتشر شده است. کیوان باژن از انتشار کتاب «انسان رو در روی جهان» با قلم کیوان باژن. «انسان رو در روی جهان» از سوی نشر قطره منتشر شده است.

نویسنده کتاب در توضیحی می‌گوید: این کتاب جستارهایی درباره تکوین فردیت خلاق نویسندگان و شاعران و رابطه آن با مخاطبان آنان است. این‌که فردیت نویسنده و شاعر چگونه شکل می‌گیرد، سال‌ها دغدغه من بود. آیا فردیت شاعر یا نویسنده به مسائل اجتماعی و... برمی‌گردد یا به مسائل ژنتیکی و یا دیگر مسائل. در عین حال برخورد مخاطب با این موضوع چگونه است.

وی می‌افزاید: با همین موضوع از سال‌ها قبل با نویسندگان و شاعران زیادی از جمله سیمین بهبهانی، منوچهر آتشی، محمود دولت‌آبادی، علی‌اشرف درویشیان، شمس لنگرودی، علی باباچاهی، محمدعلی علومی، حافظ موسوی و بسیاری دیگر از نویسندگان و شاعران گفت‌وگو کرده‌ام و حاصل را در این کتاب آورده‌ام. همچنین یک مقدمه درباره فردیت بر کتاب نوشته‌ام. مهناز دقیق نیلا نیز یک مقاله به اسم «فردیت» در این‌باره ترجمه کرده که در کتاب آمده است.

در نوشته پشت جلد کتاب آمده است: تحولات کیفی اندیشه در عصر حاضر بین نگاه جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و نیز نگاهی که زائیده فردگرایی (اندیویدوالیستی) نظام سرمایه‌داری است، به مقولاتی چون نویسنده و شاعر و چگونگی تکوین فردیت خلاق آن‌ها و نیز رابطه‌شان با مخاطب، ضرورت تأمل و تعمق در این زمینه‌ها را نه تنها بیش‌تر بلکه اجتناب‌ناپذیر می‌کند. به‌منظر می‌رسد در جامعه ما، شناخت رابطه بین فردیت خلاق و مخاطب، هنوز آن‌چنان که باید مورد کنکاش قرار نگرفته است.



کیوان باژن در مطلب «هنر و ادبیات ترسو در سایه سانسور»، که در ۱۵ دی ۱۳۸۶ در مجله ادبی هیجستان منتشر شده، از جمله نوشته است:

«واقعیت این است که در جوامع طبقاتی؛ اندیشه نیز طبقاتی است. اندیشه طبقاتی؛ خود، محصول بلامنازع تفکر «زور»، «قدرت» و «سرمایه» است. در واقع «طبقه استثمارگر، با پشتوانه ربوده خویش که تیلور و تراکم

نیروی «کار» مردمان محروم و خاموش است، به موجودیت تحمیلی خویش، قدرتی شیطانی بخشیده و زیر سلطه تجهیزات نظامی، فرهنگ انحطاطی خود را به لعاب مفاهیم مترقی هنر و فرهنگ امروز می‌آلاید و می‌گسترده تا بیش از پیش، پاسخ‌گوی نیازمندی‌های متجاوزین جهانی باشد» (۱). به‌نقل از «نوعی از هنر، نوعی از اندیشه»، سعید سلطانپور، ص ۶)

در اینجا اما، پرسش اساسی این است که چنین مسأله‌ای، چگونه صورت می‌گیرد و عواقب ناشی از وجود یک محیط سانسور زده چیست؟ باید توجه داشت که تمام تلاش «سرمایه» در چنین جامعه‌ای، در وهله نخست؛ معطوف است به تخدیر ادبیات و هنر، هم چنین مثله کردن هر نوع عقیده و اندیشه‌ای و سپس رواج تعلیمات خرافی و آنچه سرمایه، «خود» می‌خواهد و لاغیر. در چنین حالت تأسف‌باری، این سانسور است که ابعاد وسیع خود را به گسترده‌ترین وضع به هنر و ادبیات تحمیل می‌کند. این‌جاست که نویسنده و هنرمند، ناگهان، خود را مغلوب شده می‌بیند. مغلوب در برابر همه آنچه که دستگاه سانسور در ذهن‌اش تحمیل کرده. لیکن فاجعه می‌آغازد. چرا که هدف اساسی سانسور، چیزی نیست جز این که ذهن، به‌صورت مکانیکی، حذف کردن را بپذیرد و اتفاق می‌پذیرد. نشریات، می‌پذیرند تحلیل نکنند تا حداقل بسته نشوند. نویسنده بسیاری از مسایل ذهن‌اش را نمی‌نویسد تا کتاب‌اش - که البته یک سال در اداره سانسور مانده - چند ساله نشود. سینما از طرح بسیاری از مسایل پرهیز می‌کند تا به ورشکستگی و فلاکت نیفتد و ... و درست در همین جاست که ترس، سایه شوم خود را هر چه بیش‌تر می‌گستراند. به این ترتیب، قول آن فرزانه درست در می‌آید که: «... امروز، هنر و ادبیات ما، هنر و ادبیات ترس نیست، هنر و ادبیاتی ترسو است. همواره می‌گریزد، تحقیر می‌شود، در انزوا چون شیر، یال بر می‌آشوبد و در جمع - در جامعه - چون روباهی زیرک، از خطر می‌گریزد...» (همان، ص ۱۰) و وقتی چنین ادبیات و هنری به‌وجود آمد، اشکال «سانسور» - که تاکنون پنهان بود - سر باز کرده، خود را در معرض نمایش می‌گذارد تا هر چه بیش‌تر چهره کریه‌اش نمایان شود. چهره‌ای چندگانه که مهم‌ترین و پلشت‌ترین این چهره‌ها را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

نخستین و اساسی‌ترین شکل «سانسور»؛ سانسور سنتی است. در این مرحله، فضای فکری و ذهنی جامعه، طوری ساخته می‌شود که مردم، ناخودآگاه - و از روی عادت یا تعلیم مدارس و حتی قبل از آن، خانواده و ... - ممنوع بودن بسیاری مطالب را می‌پذیرند، بی‌آن که به طور مشخص، قانونی وجود داشته باشد. در اینجا البته نقش خانواده و رابطه‌ای که بر مبنای روح پدرسالاری در آن وجود پیدا می‌کند، بسیار مهم و با اهمیت است. شکل دوم اما، خود را در شکلی قانونی نشان می‌دهد. این که به‌طور کلی، بحث درمورد برخی از مسایل، ممنوع اعلام می‌شود. در واقع، در شعور جمعی جامعه سانسور زده، ذهنیتی ایجاد می‌شود که انگار دخالت در چنین مسایلی کفر محض بوده و ورود به حریم آن‌ها، تخطی از قانون تلقی می‌گردد. شکل دیگر، حذف مطالب و اندیشه از بالا است بدون این که دستورالعمل ثابتی برای آن مطرح باشد. خودسانسوری نیز از دیگر اشکال سانسور است. به این ترتیب که نویسنده و هنرمند و به‌طور کلی اهل اندیشه؛ به‌سبب ترس از چاپ نشدن یا معطل شدن اثرش یا برای جلوگیری از زیان مالی یا ترس از این که ارتباطش با مخاطب قطع گردد و ... ناگزیر به اعمال سانسور و حذف مطالب و اندیشه خود می‌گردد. توقیف و جمع‌آوری اثر بعد از انتشار و یا حربه‌های غیرقابل پیش‌بینی چون بایکوت کردن اثر و تبلیغات منفی برای کم اهمیت جلوه دادن آن، همه و همه از اشکال متفاوت سانسوراند و بالاخره حذف فیزیکی خالق اثر و صاحب اندیشه که فجیع‌ترین نوع سانسور در یک جامعه است. همه این اشکال، می‌تواند به‌بحران عظیم فرهنگی جامعه منتهی شود. چرا که عواقب ناشی از سانسور چنان گسترده است که در مدت کوتاهی می‌تواند به طور کلی به مرگ فرهنگ و ادبیات بیانجامد.»

همان‌طور که در بالا اشاره شد حکومت اسلامی با تهدید و دستگیری و زندانی کردن فعالین فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، سانسور را نیز تشدید کرده است. محمد جواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات چهارشنبه سوم بهمن - ۲۳ ژانویه، در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: «امروز در حاشیه دولت، همه از رزمایش! پرسیدند، دیشب، گزارش کردم که برای چک تاب‌آوری زیرساخت بانکی در برابر تحریم‌های دیگری جز قطع اینترنت «شرکت سداد» هم وجود داشت. گزارشی دریافت کردم که این برنامه «لغو» شده است. ضمناً سداد صلاحیت الزام شرکت‌ها به انتقال سرورها به داخل کشور را ندارد.»

خبر انجام «رزمایش قطع اینترنت» یک روز پیش‌تر در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود. از قرار سازمان پدافند غیرعامل ایران تصمیم داشت روز یکشنبه هفتم بهمن برای مدت کوتاهی اینترنت را قطع کند.

وزیر ارتباطات در واکنش به جنجالی که پس از انتشار این خبر در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاد، سه‌شنبه شب مدعی شد که هدف از این اقدام که به اشتباه «رزمایش» نام گرفته سنجش تاب‌آوری زیرساخت بانکی در صورت تحریم است. محمود تجلی‌مهر، کارشناس مخابرات و زیرساخت‌های اینترنت به دی‌دابلو فارسی (دویچه‌وله) می‌گوید: «تاب‌آوری زیرساخت‌های بانکی ارتباطی به حکومت و قطع سراسری اینترنت ندارد. کسی که ارائه‌کننده خدمات است، باید نشان دهند که می‌توانند سرویس خوب ارائه دهد.»

محمود تجلی‌مهر می‌گوید سرور بسیاری از نهادهای تحت کنترل حکومت خارج از کشور است و صداوسیما جمهوری اسلامی حتی سرورهایی در نیویورک داشته است.

او تصریح می‌کند: «دلیل آن هم این است که این نهادها به حرفه‌ای بودن سرویس‌دهندگان داخل ایران اطمینان ندارد. مثلاً کسی که از آمازون سرویس می‌گیرد می‌داند که آمازون تمهیدات فنی بسیاری دارد و از کار نمی‌افتد. خیلی از بانک‌ها و ارگان‌های حکومتی خودشان به سرورهای داخل کشور اطمینان ندارند که خوب دلایل هم یک بحث فنی جداگانه است.»

درخواست برگزاری رزمایش قطع اینترنت توسط رئیس سازمان پدافند غیرعامل ایران مطرح شده بود. این سازمان نهادی نظامی امنیتی است که تابع ستاد کل نیروهای مسلح است و سال ۱۳۸۲ بر اساس فرمان خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی تشکیل شد. وظیفه عملیاتی نخست این سازمان «سازمان‌دهی، طرح‌ریزی، هدایت و راهبری عملیات پدافندی مقابله با تهدیدات نوین دشمن» تعریف شده است.

محمود تجلی‌مهر می‌گوید: «آنچه حکومت ایران می‌خواهد کنترل کاربران ایرانی است. آن‌ها چیزی مثل مدل کره‌شمالی را دنبال می‌کنند، یعنی در اختیار گرفتن کنترل کامل ترافیک اینترنت از داخل به خارج از کشور.» مقامات جمهوری اسلامی در پاسخ به منتقدان خود می‌گویند در پی استقلال کشور از شبکه اینترنت هستند و اینترنت را راه نفوذ دشمن می‌دانند. برخی نیز در توجیه قطع اینترنت و تأکید بر استفاده از اینترنت ملی، مسائل امنیتی را عنوان می‌کنند و می‌گویند با این روش امکان حمله اطلاعاتی به نهادهای حساس ایران برطرف می‌شود.

دکتر تورج اسماعیلی یکی از طراحان و آنالیست‌های اصلی سازمان پدافند حکومت اسلامی و مشاور سایبری شورای عالی امنیت ملی نظام، با اسناد سری قابل‌توجهی از کشور خارج و به ترکیه گریخته است. بنا به گزارش «آواتودی»؛ سه‌شنبه شب محل سکونت موقت دکتر اسماعیلی در استانبول شناسائی و مورد یورش نیروهای اعزامی و اجا و میت ترکیه قرار گرفت، ولی با اقدام به موقع، وی موفق به فرار و مراجعه به کنسولگری یک کشور غربی در استانبول شد.

دولت روحانی، حتی صندوق‌های تأمین اجتماعی را نیز خالی کرده است. پرویز احمدی پنجکی دبیر کانون بازنشستگان استان تهران گفت: «وضعیت سازمان تأمین اجتماعی بحرانی است، این بحران به حدی جدی است که در صورتی که چاره‌اندیشی نشود، دولت توان مقابله با آن را نخواهد داشت. بدهی‌های دولت در حال حاضر به بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد که این بدهی ناشی از عدم پرداخت سه درصد حق بیمه سهم دولت ایجاد شده است.» وی گفت: «در صورت تداوم شرایط کنونی، میزان کسری نقدینگی تأمین اجتماعی در سال ۱۴۰۴، ۱۱۹۱۱۹ هزار میلیارد تومان خواهد شد. (حبرگزاری مهر)

اکنون دعوی جناح‌های حکومتی نیز تشدید شده است. سخنرانی اخیر روحانی با موجی از اعتراضات از جمله آیت‌الله‌ها قرار گرفته و حتی ریزش‌هایی نیز در حاکمیت مشانده می‌شود. هشت وزیر در نامه خود به خامنه‌ای، تهدید به استعفا کرده‌اند.

عبدالرضا رحمانی‌فضلی وزیر کشور، دوشنبه شب اول بهمن‌ماه، در سخنانی با اشاره به وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران از همه جریان‌های سیاسی خواسته در جهت منافع امنیتی نظام جمهوری اسلامی به‌فکر برگزاری با شکوه راهپیمایی ۲۲ بهمن برای مقابله با براندازی نظام باشند.

وزیر کشور در بخشی از سخنرانی خود از «تحركات وحدت‌شکن و یاس‌آفرین» انتقاد کرده و آن را پدیده نامبارک و ناشی از فقدان درک صحیح از منافع و امنیت ملی دانسته و با ابراز تأسف نسبت به برخی چهره‌ها، و به‌گفته او، «شبه‌جریان‌ها» از آن‌ها خواسته است که حب و بغض‌های شخصی و جریانی نسبت به مسؤولان فعلی دولت را بر اساس منافع ملی و امنیت ملی اصلاح کنند.

رحمانی فضلی، به تلاش‌های «دشمن» برای تبدیل مطالبات صنفی و خواسته‌های عمومی معیشتی مردم به تنش‌های اجتماعی و امنیتی نیز اشاره کرده و گفته، نقش‌آفرینی مؤثر همه چهره‌های علاقمند به کشور، فعالین و نخبگان بخش‌های مختلف و جریان‌های سیاسی ضروری است.

رحمانی فضلی گفته «با توجه به اهداف شوم دشمنان برای براندازی نظام پیش از چهل سالگی انقلاب» برگزاری با شکوه مراسم «دهه فجر» اهمیتی دوچندان دارد...»

رئیس مجلس شورای اسلامی نیز، سه‌شنبه دوم بهمن، در نشست با اعضای «ستاد برگزاری مراسم چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی» تأکید کرده دشمنان نمی‌توانند انقلاب اسلامی را حذف کنند. علی لاریجانی به برگزاری کنفرانس ورشو اشاره کرده و گفته در چهل سالگی انقلاب کنفرانسی راه انداخته‌اند که نشان می‌دهد نمی‌خواهند جایگاه انقلاب درخشندگی خود را نشان دهد.

علی لاریجانی نیز حرف‌هایی مشابه رحمانی فضلی زده و گفته «در یک خانواده نیز ممکن است اختلاف به وجود بیاید اما خانواده را از بین نمی‌برند!» او تأکید کرده مسؤولان کشور باید از تربیون‌ها استفاده کنند و به مردم آشنائی دهند که «در شرایط خاصی قرار داریم» و اجازه ندهیم دشمن در این شرایط ایجاد مسأله کنند.

از حرف‌های این دو مقام عالی‌رتبه حکومت اسلامی پیداست هر دو مانند دیگر مقامات کشوری و لشکری از آینده حاکمیت‌شان نگران هستند و اشاره آن‌ها به بالا گرفتن اختلافات درونی حکومت است. در عین حال این اظهارات را باید در کنار سخنان علی خامنه‌ای در مورد «ریزش‌های نظام» در مرداد ۱۳۹۷ قرار داد.

طبق اعترافات کارگزاران ارشد حاکم، حکومت اسلامی دچار دوستگی شده است: «جریانی که حامی نظام‌اند و علیه دولت عمل می‌کنند و جریانی که بقای نظام را در حمایت از دولت و اصلاح‌طلبی می‌دانند. حزب‌اللهی‌ها اما این جناح را فتنه‌گر و غرب‌گرا می‌نامند و به‌قول علی خامنه‌ای آن‌ها را به حساب «ریزشی‌های انقلاب» می‌گذارند.

در این میان آنچه تقریباً اغلب مسؤولان حکومت در نظر نمی‌گیرند مخالفت اکثریت مردم و رویگردانی جامعه از آن‌هاست. در همین زمینه، سه‌شنبه ۲۵ دی ۹۷، مناظره‌ای میان مصطفی تاجزاده معاون امنیتی وزارت کشور در دولت خاتمی و علیرضا زاکانی نماینده پیشین مجلس و از سرکوبگران با سابقه حکومت در رابطه با مسائل کوی دانشگاه سال ۷۸ برگزار شد. در این مناظره، تاجزاده به زاکانی گفت: «این‌که می‌گن اصلاح‌طلب، اصول‌گرا دیگه تمومه ماجرا همه ما را می‌گن، فکر نکنید مردم می‌گن اصلاح تموم شده می‌خوان بیان سمت اصول‌گرا؛ می‌گن اصلش باید بره!»

همزمان محمدرضا تاجیک رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری در دوران خاتمی، روز ۳۰ دی در یک مصاحبه گفت: «میزان محبوبیت دولت به زیر ۱۰ درصد رسیده است.» او تأکید کرد اگر اصلاح‌طلبان راه کنونی خود را ادامه دهند به بن‌بست خواهند رسید.

علی ماجدی، سفیر پیشین ایران در المان که به‌تازگی از این سمت کنار رفته است، از عملیات خودسرانه در خارج کشور انتقاد کرده است و گفته اعتماد اروپایی‌ها به ایران از بین رفته است. او در پاسخ به سوال خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، درباره اخراج دیپلمات‌های ایران از دانمارک، هلند و آلبانی و همچنین دستگیری دیپلمات ایرانی در المان گفت: آنها شواهدی دارند که می‌توانند بر آن دست بگذارند.

ماجدی که دو ماه پیش در پی اجرای قانون بازنشستگی از سمت خود کنار رفت، به ایسنا گفته است: «اروپایی‌ها در مورد ادعاهائی که مطرح کرده‌اند اسنادی آورده‌اند که ما نمی‌توانیم آن را به‌راحتی رد کنیم. گرچه آن‌ها نیز نمی‌توانند این اسناد را به راحتی اثبات کنند.» دی ماه امسال، اتحادیه اروپا بخشی از وزارت اطلاعات ایران را در فهرست «تروریستی» خود قرار داد.

این اوضاع و احوال و شرایط امروز حکومت اسلامی است. این اظهارات را نه چهره‌های اپوزیسیون و مخالفان حکومت اسلامی، بلکه آن‌هائی بیان می‌کنند که خود از بدنه نظام بودند و یا هنوز هستند و در پدید آمدن این شرایط نقش داشته‌اند.

نهایتاً طی سال‌های اخیر حکومت جمهوری اسلامی ایران برخوردهای شدیدی با شاعران و نویسندگان داشته و در مواردی چند تن از آن‌ها را به حبس، جریمه نقدی و شلاق محکوم کرده است. تعدادی نیز مجبور به خروج از کشور شده‌اند. «بکتاش آبتین»، «روزبه گیلانی»، «الهه سروش‌نیا»، «نیما صفار»، «محمد بم»، «سیدمهدی موسوی»، «رضا اکوانیان»، «محمدرضا حاج‌رستم‌پگلو»، «فاطمه اختصاری»، «رئیس دانا»، «زرافشان» از جمله شاعران و نویسندگانی هستند که طی سال‌های گذشته تاکنون محکوم شده و برخی نیز پس از بازداشت، شکنجه و حبس‌های بلندمدت مجبور به خروج از کشور شده‌اند.

حکومت اسلامی با دستگیری اعضای هیات دبیران کانون نویسندگان، دستگیری اسماعیل بخشی نماینده کارگران شرکت هفت تپه و سپیده قلیان و و شماری دیگر از فعالین سیاسی و اجتماعی، تلاش می‌کند اوضاع را تحت کنترل قرار دهد.

اما اکنون اکثریت مردم ایران، ماهیت ضدانسانی و چهره کریه حکومت اسلامی را به‌خوبی می‌شناسند و این نوع دستگیری‌ها و رعب و وحشت، تقلای از سر ضعف و زبونی و استیصال است. دیگر اعتصابات کارگری و اعتراضات آزادی‌خواهانه، برابری‌طلبانه و عدالت‌جویانه مهارشده نیستند. امروز پنج‌شنبه ۴ بهمن ۱۳۹۷ - ۲۴ ژانویه ۲۰۱۹، شعارهای کوبنده «شکنجه مستند دیگر اثر ندارد»، «کارگر معلم دانشجو اتحاد اتحاد»، «زندانی سیاسی آزادی باید گردد»، «تورم گرانی جواب بده روحانی» و «آموزش رایگان حق مردم ایران»، در خیابان‌ها طنین‌انداز شد.

روزهای سوم و چهارم بهمن ماه معلمان شاغل و بازنشستگان برای پیگیری خواست‌های خود در تهران، کرج، اصفهان، اردبیل و در استان البرز دست به تجمعات اعتراضی زدند. تجمع در تهران در مقابل مجلس اسلامی و در دیگر شهرها مقابل اداره آموزش و پرورش برپا شد. تجمع‌کنندگان در تهران با شعار «حقوق ما ریالی، هزینه‌ها دالریه» اعتراض خود را به حقوق‌های چند بار زیر خط اعلام کردند. معلمان شاغل و بازنشستگان در این تجمعات بار دیگر با شعار شکنجه، مستند، دیگر اثر ندارد، انزجار خود را از مستندسازی سخیف حکومت اسلامی علیه اسماعیل بخشی و سبیده قلیان و بازداشت آن‌ها و بساط شکنجه و زندان حکومت اعلام داشتند.

این اعتراضات رو به گسترش کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان، کانون نویسندگان و مردم جان بهلب رسیده می‌رود تا کل بساط شکنجه و جنایت و چپاول حکومت اسلامی را بر چینند. این جنبش عظیم مردمی با قدرت به پیش می‌رود و نهایت پیروزی خواهد شد!

پنجشنبه ۴ بهمن [دلو] ۱۳۹۷ - ۲۴ جنوری ۲۰۱۹